۱۲

درباره فیلم‌های روز سوم جشنواره فیلم فجر؛ ناگهان درخت، قصرشیرین و سمفونی نهم
جاهای بهتر ببینیمتون

۱۱
ستون روزانه «جشنواره‌گرام» در جام‌جم
لباس پادشاه!

۱۰
آن ۲۳ نفری که گفتند: نه!

پوشش‌های غیررسمی و گاه عجیب برخی سینماگران در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر، بازار شوخی و کنایه را داغ کرده است

شما لباس پلوخوری ندارید؟

گروه سینما

لابد می‌دانید جشنواره‌های معتبر سینمایی جهان برای پوشش حاضران در مراسم خود قوانین مشخصی دارند. اگر شما تام هنکس یا جولین مور هم باشید وقتی کارت دعوت به اسکار را دریافت می‌کنید، می‌بینید که در متن این دعوتنامه نوشته‌اند که موازین پوشش حاضران در این مراسم مهم شامل چه مفادی است. به همین دلیل است که هیچ‌گاه در چنین جشنواره‌ها و جشن‌های سینمایی، با پوششی آنچنان متفاوت از دیگران مواجه نیستیم؛ حالا نمی‌دانیم شما در این چند روز که از برگزاری سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر گذشته، پوشش‌های عجیب و غریب برخی عوامل فیلم‌های حاضر در جشنواره را دیده‌اید یا نه. دست کم این را می‌دانیم که برخی از شما اتفاقا سردمداران انتقاد از این پوشش‌ها بوده‌اید؛ این را سیل شوخی‌های فراوانی می‌گوید که این روزها در توییتر و اینجا و آنجا منتشر کرده‌اید درباره برخی لباس‌ها. بحث تازه‌ای نیست این‌که آیا می‌توان موازین پوشش حاضران در این رویداد سینمایی را به عنوان یکی از قوانین برگزاری تدوین و اجرا کرد یا نه؛ عجالتا هم با چنین رویکردی در این گزارش سراغ ماجرا نرفته‌ایم. در این گزارش با وجود این‌که معتقدیم شمایل کلی پوشش سینماگران در جشنواره فیلم فجر بیش از پیش شده است، به چند نفر از بازیگران حاضر در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر پرداخته‌ایم که پوشششان مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی یا واکنش حاضران در جشنواره شده است. قضاوتی نداریم و صرفا راوی روایت‌های این روز خواهیم بود.

مورد عجیب صابر، تابستان شگفتِ زیبا

با شرکت صابر ابر، اشکان خطیبی، نوید محمدزاده و زیبا کرمعلی

از بین بازیگرانی که در پنج‌شش روز ابتدایی جشنواره سی‌وهفتم در نشست‌های خبری یا اکران‌های فیلم‌ها در سالن‌های مختلف حاضر شده‌اند، پوشش چند تن از آنان طوری بوده که به چشم آمده است. البته به‌چشم‌آمدن، نه به خاطر چشمگیر و چشم‌نوازبودن، بلکه به خاطر اعجاب‌آمیز یا شگفت‌انگیزبودن!

صابر ابر علاوه بر رنگ موی نقره‌ای‌اش، با شلوار کوتاه، جوراب‌های قرمز و کت بلند چهارخانه‌اش، شوک اول امسال را به بدن جشنواره فیلم فجر وارد آورد. او سابقه چندانی در پوشیدن لباس‌های عجیب و غریب در جشنواره فیلم فجر ندارد.

پس از او همه منتظر بودند تا نوبت به حضور نوید محمدزاده برسد و ببینند او این بار چطور شاخ‌های شگفتی را روی سر ملت سبز خواهد کرد. بالاخره او سلطان استایل‌های عجیب در چند دوره اخیر جشنواره فیلم فجر بوده است. محمدزاده که بازی‌اش در سرخپوست تحسین همه را برانگیخته، این بار آن‌طور که انتظار می‌رفت پوشش عجیب و غریبی نداشت. البته استایل او چندان هم متعارف نبود اما با توجه به لباس‌های پیشینی که در جشنواره فیلم فجر و دیگر جشن‌های سینمایی بین‌المللی در فرانسه و اینجا و آنجا به تن کرده بود، می‌شد این استایل او را دست‌کم در نسبت با لباس‌های پیشینش بسیار منزه هم در نظر آورد.

توپ بعدی از اردوگاه اشکان خطیبی شلیك شد؛ او که به لباس‌های همواره طراحی‌شده و وسواس بر استایلش معروف است، این بار کتی عجیب را برای فجر انتخاب کرده بود تا یکی دیگر از سوژه‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی شود.

بین خانم‌ها هم زیبا کرمعلی بود که با یك سرهمی گشاد، بهمن‌ماه سرد جشنواره را با تابستان داغ استوا اشتباه گرفته بود. لباس تابستانی کرمعلی هم مورد طعنه و کنایه فراوانی قرار گرفت.

از اغلب توییت‌ها معلوم است که کاربران حالا نه این‌که انتظار داشته باشند بازیگران لباس‌های پلوخوری‌شان را تن کنند و به جشنواره بیایند، اما دست‌کم منتظر این بوده‌اند که شأن یك جشنواره رسمی حفظ شود.

جالب اینجاست که بدانید چند عکاس سینما پیش از این در گفت‌وگو با جام‌جم گفته بودند بسیاری از این بازیگران که اتفاقا پوشش‌های‌شان در جشنواره فجر همیشه مورد طعنه و کنایه و شوخی قرار می‌گیرد، استایلیست‌های اختصاصی دارند و بدون طراحی آنها در مراسمی حاضر نمی‌شوند. این گزارش را در شماره ۵۲۲۰ روزنامه می‌توانید بخوانید.

شرکت در جشنواره فیلم فجر در راه بازگشت از آموزشی سربازی!

مثل هر سال، امسال نیز پوشش عجیب بازیگران با واکنش طنزآمیز کاربران شبکه‌های اجتماعی و بخصوص توییتر روبه‌رو شده است. برخی از این شوخی‌ها آن‌قدر بامزه‌اند که حیف‌مان آمد شما نخوانید و نبینیدشان:

Tweet
آقای عین.صاد

وقتی از #آموزشی #سربازی برگشتی و سریع باید بری #فرش_قرمز #جشنواره_فیلم_فجر!

۲ ۵ ۲۱

Tweet
سامان خالقی

#جشنواره_فیلم_فجر در سال ۱۴۰۰ شمسی به روایت تصویر!

۴ ۴ ۱۱

Tweet
Iran lions

با جدیدترین متد حضور در جشنواره آشنا بشید. شلوار خشایاری

۸ ۶ ۱۹

Tweet
Farigh 81

آماده شدم دارم می‌رم جشنواره فیلم فجر

۸ ۱۵ ۵۰

امروز چی داریم؟

آن ۲۳ نفر و ما

مدیونید اگر فکر کنید این روزها که آمیز مم‌صادق علیزاده به عنوان دبیر گروه فرهنگ در پردیس سینمایی ملت روزگار می‌گذراند و دورادور بر گروه فرهنگی نظارت می‌کند، اندکی و حتی کمتر از اندکی از تلاش و فعالیت ما کاسته شده است؛ جدی‌تر از همیشه زیر سایه فرمایشات و دستورات ملیح معاون گروه، سرکار خانم مرتضایی مشغولیم و چه کارها که نمی‌کنیم. امروز پرونده‌ای داریم از فیلم ۲۳ نفر و به همین بهانه مطالب متنوعی درباره این فیلم و کتاب‌هایی که فیلم از آنها اقتباس شده برایتان تدارك دیده‌ایم.

امروز هر چهار صفحه به سینما اختصاص دارد و از ماجرای پوشش بازیگران در جشنواره فیلم فجر نوشته‌ایم که چند سالی است به یکی از مهم‌ترین حاشیه‌های جشنواره بدل شده، ولی ما نه قضاوتی در این باره کرده‌ایم و نه اظهارنظری. روایت خودمان را نوشتیم از جشنواره فجر و شکل و شمایل هنرمندان در این رویداد بزرگ سینمایی و البته حرف و حدیث‌هایی که از مردم خوانده و شنیده‌ایم. مثل هر موضوع شوخی یا جدی دیگری در این باره هم مردم کلی لطیفه و کنایه کلامی و تصویری خلق کرده‌اند که به اندازه همین نصف صفحه روزنامه که جا داشتیم به آنها پرداختیم.

هشت سال دفاع مقدس آن‌قدر در خودش قصه و ماجرای گفته و ناگفته دارد و آنچنان فصل مهمی از تاریخ کشورمان به حساب می‌آید که بتوان سال‌های سال درباره‌اش آثار هنری عرضه کرد؛ از قصه و کتاب گرفته تا فیلم سینمایی و مستند. در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، یکی از این آثار دفاع مقدسی به نمایش درآمده که ساخته مهدی جعفری است و براساس خاطرات ۲۳ نوجوان از زندان‌های رژیم بعثی عراق ساخته شده است. این فیلم را می‌توان اقتباسی از کتاب «آن بیست و سه نفر» دانست که شکل سینمایی به خود گرفته و قرار است نمایش آن بهانه‌ای باشد برای ملاقات ۲۳ نفری که داستان آنها در این فیلم روایت شده با ۲۳ بازیگری که نقش آنها را در فیلم بازی کرده‌اند.

برای این‌که بیشتر با مضمون فیلم آشنا شوید، گفت‌وگویی داشته‌ایم با احمد یوسف‌زاده، نویسنده کتاب «آن بیست و سه نفر» و نیز با ملاصالح قاری صحبت کرده‌ایم که یکی از شخصیت‌های مهم این داستان است.

یادتان هست که دیروز در سالروز تولد علی نصیریان، گزارش سینمایی گروه فرهنگی معطوف شد به کارنامه این استاد بازیگری و درباره سیمرغ‌هایی نوشتیم که نصیب استاد نشد؟ همین گزارش مبسوط امکان پرداختن به فیلم‌های سومین روز جشنواره را از ما گرفت و در عوض امروز گزارش مفصلی به قلم علی رستگار داریم از این فیلم‌ها. ناگهان درخت، قصرشیرین و سمفونی نهم سه فیلمی است که در صفحه ۱۲ می‌توانید درباره آنها بخوانید.

راپورت‌های داش‌منوچ

وقتی منوچ آمپر می‌چسباند

ای تف به اون قبرت! ای تو اون روحِ در به درت! ای که روزگارت بشه آخرت یزید! ای که با ۱۰ چرخ شهرام سگ‌دست یه دور از روت رد شم و بعدش دنده عقب بگیرم و دوباره از روت رد شم! ای که با ملك عذاب همنشین بشی! ای که میخ طویله داغ بکنن تو آستین‌ت و الاکلنگی رو بشکه قیر آویزونت کنن و سرب مذاب بریزن تو حلقت! منوچ رو کفن کنن یه بار مردن برات کمه! یه بار قبض روح کردن برات کمه! تو رو باهاس ذره ذره جزوند و کشت و دوباره زنده‌ات کرد! ای ... [بوووووق] ای ... [بوووووق!]

دِ نکن فدات شم! حذف نکن قربونت برم! بذار با این چاروادار یا آتیش جیگرمون خنك شه! آخه این مردك توت به تون شده مَرده که جلوی زِبون ما رو می‌گیری نمیذاری از خجالتش در بیاییم؟! اصن این وحشی چموش، آدمه که نمی‌ذارید حق لامروتشو بذاریم کف دستش! این مرام لوطی‌گری که هیچ، مردونگی که هیچ، انسانیت و داش مشتی‌گری که هیچ، در افتادن با ماموراو دولتی‌ها هم که هیچ... اصن تو نمیری مرام هیچ حیوونی و جونوری هم روی این کره خاکی نیست! هاااااای ممد قرشمال کجایی که ببینی که این مردك گور به گور شده عبدالمالك چه زنگی مستی بوده و من و تو سر پامنار و میدون شوش از همه جا بی‌خبر سرمون به برق انداختن رینگ و لاستیك خوش رکاب‌مون بند بوده! بلانسبت شوما روزنومه‌خونای جام‌جم نباشه از وقتی که فیلم این آبجی‌مون نرگس خانوم آبیار رو دیدیم و فهمیدیم که نعل به نعلش واقعی بوده و از رو شلتاق‌های عبدالمالك تون به تون شده ساخته شده همین‌جور داره خون، خون‌مونو می‌خوره! اگه این مردك عوضی الان زنده بود، داش منوچ‌تون پاشنه گیوه رو ورکشیده بود بالا و یه راست میدون شوش و اف هاش عروسکی رو برداشته و تخت‌گاز می‌کوبید سمت مرز پاکستان که گیرش بیاره و زنده زنده خرخره‌شو بجوه و ذره ذره خون‌شو بکنه تو شیشه و بعدش هم جنازه‌شو خشك کنه و از پودر استخوناش غذای سگ و گربه بار بذاره!

مرد بودی یه توك پا راهی پامنار و شوش می‌شدی تا با همین تایرلورِ کج و معوج و چاقوی زنگ زده دسته زنجان چنان حسابی ازت صاف می‌کردیم که شیری که از مادر خوردی از دماغت بزنه بیرون و ریق رحمت رو فی‌المجلس سر بکشی! ای تف به ذات خبیث و هیولاصفتت عوضی ضعیف‌کش! ای ... [بوووووق]، ای ... [بوووق] دِ نکن داداش من! حذف نکن! یارو که گور به گور شده حداقل بذار ما با چار تا لیچار دلمونو خنك کنیم!